



انجیر فضل احمد افغان

مستند بودن نام افغانستان در قرن ۱۳م.

دو نقل از هوش مصنوعی و کتاب چنگیز خان.

چندی قبل در مقاله موارد ۶ جولای ۲۰۲۵م خود از قول هوش مصنوعی از ذکر اسم افغانستان در قرن سیزده میلادی بحضور هموطنان عرض نموده بودم که خوشبختانه در بعضی ویبسایت‌های خارج مرزی نیز به نشر رسیده بود و حال به مطالعه کتب تحت عنوان چنگیز خان ملاحظ نمودم که اسم افغانستان مواید معلومات هوش مصنوعی میباشد در چندین قسمت نام افغانستان ذکر گردیده که در ذیل متن انگلیسی و ترجمه دری قسمتهای آنرا به توجه هموطنان میرسانم. همچنان در یکی از کتابهای دیگری تحت عنوان تاریخ جهان به لسان انگلیسی طبع ۲۰۰۵م نقشه ۱۷۵۰م را که مصادف به امپراتوی احمد شاه ابدالی (درانی) بنام (Afghan Empire) دیدم که در اخیر نیز به توجه علاقمندان رسانیده میشود

اول معلومات نشر شده قبلی از قول هوش مصنوعی.

قرن سیزدهم میلادی:

اصطلاح «افغانستان» در کتاب تاریخنامه هرات ظاهر می‌شود که از کشوری میان خراسان و هند یاد می‌کند.

نقل قول از کتاب تحت عنوان چنگیز خان.

اصل متن انگلیسی صفحه (۹۲-۹۳)

the new Khwarazm 11 The first appearance of Mohammad Shah, resulted in the conquest of Afghanistan from the Ghurids. The Khwarazm Shah received support from the Qara Khitai and from the Khan of Samarkand. The defeat which the Qara Khitai troops particularly inflicted on the Ghurids was such that in 1206 the greater part of their kingdom had to recognise the suzerainty of Muhammad. In 1215 the Shah completed **his conquest of Afghanistan.**

ترجمه دری مطلب فوق صفحات (۹۲-۹۳)

خستین ظهور محمد دوم، خوارزمشاه جدید، منجر به فتح افغانستان از غوریان گردید. خوارزم شاه از قره ختای و خان سمرقند حمایت دریافت کرد. شکستی که سپاهیان قره ختای بر غوریان وارد کردند به حدی بود که در سال ۱۲۰۶ بخش اعظم قلمرو آنان مجبور شد برتری و حاکمیت محمد را بپذیرد. **در سال ۱۲۱۵ م شاه فتح افغانستان را تکمیل کرد.**

۱

متن انگلیسی صفحه (۱۰۹)

The difficult position in which Muhammad found himself " was not improved by the malevolent influence of his mother, Terken Khatun. This obstinate and dangerous woman was born in the foreign military caste and felt herself to be closely allied to this aristocracy. It was accordingly of great importance to Muhammad to consider his mother's wishes as much as possible. He had yielded to her views in the appointment of the royal successor: it was not the eldest son, Jalal al-Din, who became crown prince, but the youngest (whose mother was related to Terken Khatun). The choice had unfortunate results for Muhammad. **Jalal al-Din became and the crown prince was awarded governor of Afghanistan** the central part of the empire. In this latter region, which incorporated the provinces of Khwarazm, Khurasan and Mazandaran, the real authority was exercised by Terken Khatun. In her wickedness she took not the slightest account of the interest of her son. Functionaries who had been dismissed by Muhammad were ostentatiously restored to their posts by Terken Khatun. It was impossible for friction between mother and son to be avoided; eventually it became so serious that

Muhammad's authority in the regions governed by Terken Khatun, who had her own court, was to all intents and purposes no longer recognised. These conflicts created tension "between the Khwarazm Shah and his military leaders.

ترجمه دری مطلب فوق صفحه (۱۰۹)

"موقعیت دشواری که محمد در آن قرار گرفته بود، با نفوذ شوم مادرش، ترکن خاتون، بهبود نیافت. این زن سرسخت و خطرناک در میان طبقه نظامی بیگانه زاده شده بود و خود را به شدت با این اشرافیت نزدیک می‌دانست. از همین رو برای محمد بسیار مهم بود که تا جای ممکن خواسته‌های مادرش را رعایت کند. او در تعیین جانشین سلطنتی به نظر مادرش تن داد: جانشین، پسر بزرگ‌ترش جلال‌الدین نبود که ولیعهد گردد، بلکه پسر کوچک‌تر بود (که مادرش با ترکن خاتون نسبت داشت). این انتخاب برای محمد پیامدهای ناخوشایندی داشت. **جلال‌الدین به حیث والی افغانستان گماشته شد** و ولیعهد بخش مرکزی امپراتوری را به دست آورد. در این منطقه که ولایات خوارزم، خراسان و مازندران را در بر می‌گرفت، قدرت واقعی در دست ترکن خاتون بود. او در شرارت خویش کمترین توجهی به منافع پسرش نداشت. کارگزاری که محمد برکنار کرده بود، توسط ترکن خاتون آشکارا به سمت‌هایشان بازگردانده شدند. برخورد میان مادر و پسر اجتناب‌ناپذیر بود؛ سرانجام اوضاع چنان جدی شد که اقتدار محمد در مناطقی که زیر سلطه ترکن خاتون بود (که دربار مستقل خود را داشت)، عملاً دیگر به رسمیت شناخته نمی‌شد. این اختلافات میان خوارزمشاه و فرماندهان نظامی‌اش تنش ایجاد کرد."

۲

متن انگلیسی صفحه (۱۲۵)

Genghis Khan, probably anticipating escape attempts from Gurganj, had ordered the tümen of Toquchar to lay a cordon in the north of Khurasan. Jalal al-Din wanted to go via the Kara Kum desert to **Ghazna in east Afghanistan, the region which he administered as governor before the Mongol invasion. AD1220**

ترجمه دری متن انگلیسی فوق صفحه (۱۲۵)

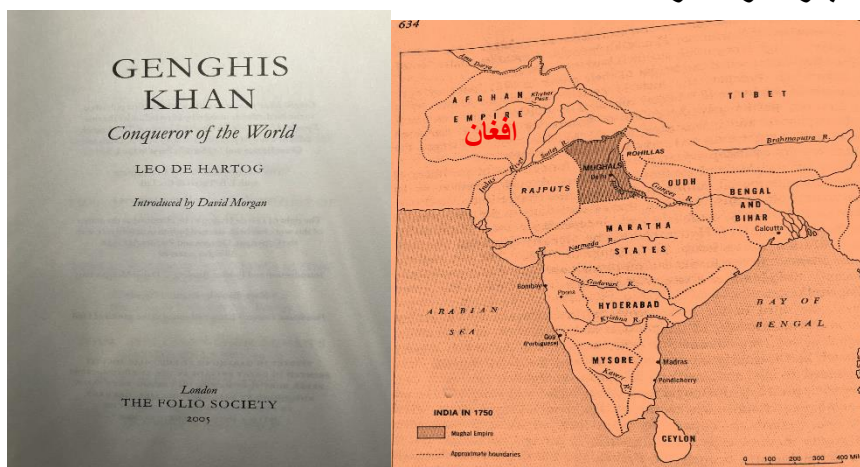
"چنگیز خان، که احتمالاً پیش‌بینی می‌کرد تلاش‌هایی برای فرار از گرگانج صورت گیرد، به «تومن» توقچار دستور داد تا در شمال خراسان محاصره‌ای برپا کند. جلال‌الدین می‌خواست از طریق صحرای قره قوم به **غزنه** در شرق **افغانستان** برود، منطقه‌ای که پیش از یورش مغولان آن را به حیث والی اداره می‌کرد." (۱۲۲۰ م)

متن انگلیس صفحه (۱۴۷)

It was the intention that Ch'ang-ch'un should also give an account of the Taoist philosophy, **but enemy activity in** demanded all Genghis Khan's attention. At his **Afghanistan** own request Ch'ang-ch'un therefore returned to Samarkand, arriving there in mid-June 1222. When Genghis Khan invited the monk to call on him for the second time in September 1222,

ترجمه دری متن انگلیسی فوق صفحه (۱۴۷)

تصمیم چنین بود که چنگ‌چون شرحی از فلسفه تانویسم نیز از عملی کند، اما **فعالیت‌های دشمن در افغانستان تمام توجه چنگیز خان را به خود معطوف ساخت.** به درخواست خودش، چنگ‌چون دوباره به سمرقند بازگشت و در اواسط ماه جون ۱۲۲۲ به آنجا رسید. وقتی که چنگیز خان در ماه سپتمبر ۱۲۲۲ برای بار دوم آن راهب را دعوت کرد"



امپراتوری افغان در شمال شرق نقشه ۱۷۵۰م. مواخذ

کانادا:- ۲۲ آگست ۲۰۲۵م